



بخش آموزش رسانه تفریحی سنتر

کلیک کنید  www.tafrihicenter.ir/edu

 نمونه سوال  گام به گام

 امتحان نهایی  جزوه

 دانلود آزمون های آزمایشی

متوسطه اول : هفتم ... هشتم ... نهم

متوسطه دوم : دهم ... یازدهم ... دوازدهم

www.tafrihicenter.ir



بحران‌های معرفتی و معنوی

درس دوازدهم

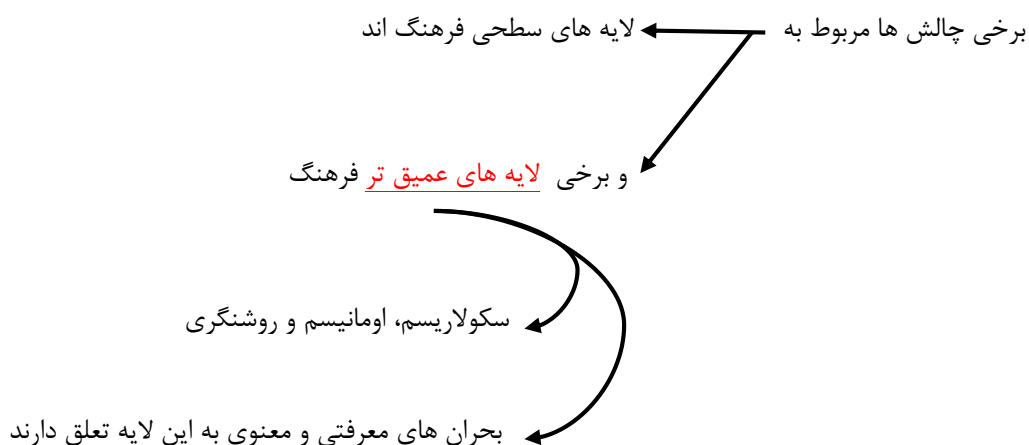
چالش‌های جهانی

به تدریج آشکار می شوند.
اغلب پایان نمی یابند.
و با بروز چالش‌های جدید، چالش‌های پیشین نیز همچنان باقی می مانند.
برای مثال ← چالش فقر و غنا

چالش‌های رخ داده ← ابتدا ← چالش‌های اقتصادی، سیاسی، نظامی
و سپس ← چالش‌ها و بحران‌های معرفتی، معنوی، اخلاقی، عاطفی

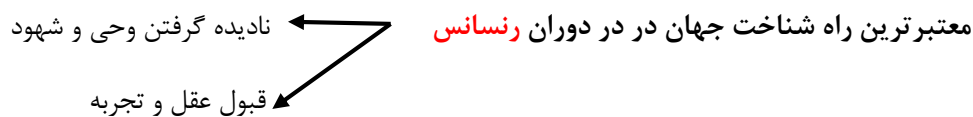
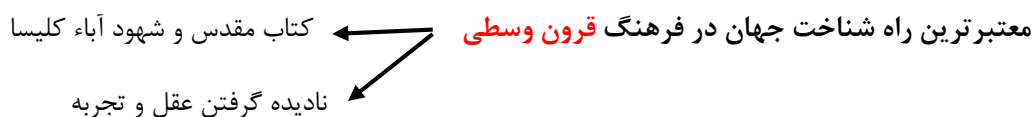
این چالش‌ها ← همگی از درون فرهنگ غرب بوده

پس علت این چالش‌ها ← درونی است، نه بیرونی



بحران معرفتی

در درس پنجم درباره‌ی رویکرد معرفتی علمی فرهنگ غرب پس از رنسانس، مطالبی آموختید. آیا آن رویکرد را به یاد دارید؟ غرب معاصر چگونه از آن بحران علمی معرفتی عبور کرد و با چه بحران علمی معرفتی جدیدی مواجه شد؟



البته در قرن نوزدهم و بیستم

شناخت عقلی را هم قبول نکردند

و فقط شناخت حسی و تجربی را تنها راه شناخت علمی می دانستند.

به طوری که در قرن نوزدهم معتقد بودند

فقط با روش تجربی می توان به شناخت جهان هستی دست یافت

معتقد بودند آگاهی ها و علوم جوامع دیگر غیرعلمی است

پیروی از فرهنگ غرب تنها راه پیشرفت دیگر فرهنگ ها است.

بحران معرفتی جدید هنگامی آغاز شد که نشان داد

دانش تجربی دارای محدودیتهایی هست

و توان داوری ارزشی ندارد.

در نیمه اول قرن بیستم، با روشن شدن محدودیت های علم تجربی

علم از داوری های ارزشی دست برداشت

و به امور طبیعی پرداخت.

در نیمه دوم قرن بیستم مشخص شد

علم تجربی دارای مبانی غیرتجربی هم است.

علم مدرن زیر سؤال رفت.

علم تجربی غربی تنها جهان طبیعت را تفسیر نمی کند.

می تواند تفسیرهای متناسب با فرهنگ های دیگر را هم داشته باشد.

تردید درباره مبانی علوم تجربی غربی

تردید درباره بنیان های هویتی فرهنگ غرب

یعنی لایه های عمیق یا همان فلسفه روشنگری بود.

ابعاد بحران معرفتی علمی ← افول روشنگری و شکل گیری جریان های **پُست مدرن**
ناسازگاری ابعاد معرفتی جهان غرب با **نیازهای** اقتصادی و سیاسی آن

افول روشنگری و شکل گیری جریان های پُست مدرن

روشنگری مدرن از قرن نوزدهم ← حس و تجربه را قبول داشت.

ولی پس از اینکه مشخص شد، علم تجربی به شناخت های غیرتجربی هم وابسته است،
روشنگری مدرن مورد تردید واقع شد.

به کسانی که به روشنگری مدرن تردید کردند ← **پسامدرن** می گفتند.

ناسازگاری ابعاد معرفتی جهان غرب با نیازهای اقتصادی و سیاسی آن

وقتی سیاست و اقتصاد جهان غرب، جهانی شد، اینها به علمی نیاز داشتند که جهانی شدن آنها را توجیه بکند اما اندیشه های پسامدرن این ظرفیت را نداشتند، در نتیجه متفکران پسامدرن در اصول و مبانی فرهنگ غرب تردید کردند.

جهان غرب حضور جهانی خودش را از نظر سیاسی و اقتصادی نمی توانست توجیه بکند و در این کار ناتوان بود یعنی در واقع بین **عملکرد اقتصادی و سیاسی** غرب با **توانمندی های معرفتی و علمیش** ناسازگاری وجود داشت.

بحران معنویت

در فرهنگ غرب گرایش به دین و معنویت از سر گرفته شده است و حتی برای پاسخ دادن به نیاز فطری آدمی به معنویت، دین های جدید و عرفان های رنگارنگ همانند قارچ از زمین روییده اند و عده ای از آنها پیروی می کنند. بحران معنویت چه زمانی و چرا در فرهنگ غرب پدید آمد؟ جامعه شناسان با چه نام هایی از این بحران یاد کرده اند؟ این بحران چه پیامدهایی داشته است؟

در فرهنگ مدرن:

سکولاریسم به صورت آشکار مطرح شد.

سکولاریسم به ترتیب، در حوزه های هنر، اقتصاد، سیاست و علم ظاهر گردید (فرهنگ **تخصصی**)

اما فرهنگ **عمومی** جامعه غربی، در محدوده زندگی شخصی و خصوصی افراد، همچنان دینی باقی ماند.

جامعه‌شناسان بر این گمان بودند که در قرن بیستم

دین از قلمرو فرهنگ عمومی هم از بین خواهد رفت ولی اینگونه نشد.

پس منظور از عناوین

افول سکولاریسم و پسا سکولاریسم

طی قرن بیستم نه تنها دین از فرهنگ عمومی مردم خارج نشد،

بلکه به سطوح مختلف زندگی انسان‌ها بازگشت.

بعضی متفکران از این موج که نشانه بحران معنویت در فرهنگ غرب است

با عناوین افول سکولاریسم و پسا سکولاریسم یاد می‌کنند.

مهم‌ترین علت تداوم باورهای دینی و معنوی در زندگی انسان

نیاز فطری آدمی به حقایق قدسی و ماوراء طبیعی است

در یک فرهنگ هم باید به نیازهای جسمانی و دنیوی انسان پاسخ داده شود و هم به نیازهای معنوی

بی توجهی به هر دو منجر به بحران می‌شود.

فرهنگ غرب با اصالت بخشیدن به انسان دنیوی در قرن بیستم

باعث پوچ‌گرایی، یأس و ناامیدی و مرگ آرمان‌ها و امیدها شده است.

پیامدهای اجتماعی گریز و رویگردانی از سکولاریسم در جوامع غربی

برخی از نخبگان جهان غرب را به جست وجوی سنت های **قدسی و دینی** وداشت.

مهاجران ساکن کشورهای غربی را به سوی **هویت دینی** خود فراخواند.

بازار **معنویت های کاذب و دروغین** را رونق بخشید؛

نمونه هایی از این معنویت های دروغین

خرافه پرستی

شیطان پرستی

انواع بازسازی شده ادیان و عرفان های شرقی

و سرخ پوستی

با تشکر: رقیه حیدری، دبیرستان فاطمیه

استان زنجان ، شهرستان طارم